فصلنامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی، دوره‌ی پنجم، شماره‌ی ۲، پاییز ۹۵، صفحات ۱۸۷-۲۰۶

وندالیسم و جوانان
(مطالعه موردی: جوانان ۱۵ تا ۲۰ ساله‌ی شهر لردگان)

یزدان کریمی منجرموئی[۱]، مهناز فرهمند[۲]

تاریخ دریافت: ۱۳۹٤/۱۱/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۸/۱۵

چکیده

وندالیسم از جمله کج‌روی‌های جامعه‌ی جدید است که از تغییرات سریع اجتماعی، رشد آنومی و تمایلات روزافزون انسان و ناکامی او در رسیدن به این تمایلات، نشأت می‌گیرد. وندالیسم در جامعه‌شناسی در مفهوم داشتن نوعی روحیّه‌ی بیمارگونه به‌کار رفته که بیان‌کننده‌ی تخریب اموال و تأسیسات عمومی است. مقاله‌ی حاضر با هدف بررسی عوامل اجتماعی مؤثّر بر وندالیسم انجام شده وروش مورد استفاده در آن از نوع پیمایش است. جامعه‌ی آماری پژوهش نیز شامل جوانان ۱۵ تا ۲۰ ساله‌ی شهر لردگان است که با توجّه به جدول حجم نمونه‌ی مورگان، ۳٦۰ نفر به‌عنوان نمونه تعیین و با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شده‌اند. برای گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه‌ی استاندارد استفاده شده وداده‌های پژوهش با بهره‌گیری از آمار توصیفی، هم‌بستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه تحلیل گردیده‌اند. یافته‌های تحقیق نشان‌دهنده‌ی آن است که متغیّرهای میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، رابطه با افراد بزهکار و از خود بیگانگی، ارتباط معنادار و مثبتی با متغیّر وابسته دارند، امّا بین متغیّر پیوند اجتماعی و متغیّر وابسته‌ی وندالیسم، ارتباط معنادار و معکوسی وجود دارد. هم‌چنین نتایج رگرسیون چندگانه نشان داده که در مجموع متغیّرهای مستقل، ۲۱/٦ درصد از واریانس متغیّر وابسته را تبیین کرده‌اند.

واژه‌های کلیدی: بزهکاری، وندالیسم، پیوند اجتماعی، جوانان.

[۱] کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه یزد (نویسنده‌ی مسؤول) Yazdan484@yahoo.com

[۲] استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه یزد farahmandm@yazd.ac.ir

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

بیان مسأله

روابط افراد در جامعه بر نظم و قواعد خاصّی استوار است. در حقیقت، زندگی اجتماعی انسان به‌وسیله‌ی هنجارها، قوانین و مقرّرات تداوم می‌یابد (صادقی‌فرد، ۱۳۸۹: ۸٦). اگر افراد جامعه به قوانین و مقرّرات و هنجارهای اجتماعی‌ای که رفتار آن‌ها را به‌عنوان مناسب و نامناسب تعریف می‌کنند، مقیّد نباشند، فعّالیّت‌های انسان متوقّف یا دچار هرج و مرج می‌شود. یکی از مسائلی که زندگی اجتماعی انسان را دچار هرج و مرج می‌کند، انحراف اجتماعی است. انحراف اجتماعی شیوه‌ی رفتاری است که خلاف توافق جامعه است و این گونه تعریف می‌شود: عدم هم‌نوایی با یک هنجار یا دسته‌ای از هنجارها که برای اکثر افراد جامعه مورد پذیرش است. از دیدگاه جامعه‌شناسیِ انحرافات، انحرافات اجتماعی پیوستاری از رفتار است که هم به تخلّف از قانون و هم به تخلّف از هنجارهای اجتماعی و فرهنگی بدون قانون‌شکنی رسمی، ارجاع داده می‌شود (الهیاری و حسینی، ۱۳۹۳: ٥٤).

رفتار انحرافی به دو طبقه‌ی بزهکاری و جرم بر اساس سنّ افراد در هنگام ارتکاب چنین اعمالی تقسیم می‌شود. بنابراین، چنان‌چه رفتار انحرافی توسّط بزرگ‌سالان صورت گرفته باشد، آن را جرم می‌نامند و در صورتی که توسّط نوجوانان و جوانان انجام شده باشد، به‌عنوان بزهکاری تعریف می‌شود (زنگنه، ۱۳۸۳: ۱۰۷). بزهکاری نوجوانان و جوانان یکی از ناهنجاری‌هایی است که دنیای امروز را شدیداً تحت‌تأثیر خود قرار داده و از دیرباز در جامعه‌ی بشری، مورد توجّه اندیشمندان بوده است (نوربها، ۱۳۷۷: ١٤). یکی از شایع‌ترین انواع بزهکاری جوانان، وندالیسم است.

وندالیسم یا تخریب اموال عمومی از جمله کج‌روی‌های جامعه‌ی جدید است که از تغییرات سریع اجتماعی، رشد آنومی و تمایلات روزافزون انسان و ناکامی او در رسیدن به این تمایلات، نشأت می‌گیرد (نبوی و همکاران، ۱۳۹۱: ۹۹). در واقع، وندالیسم نوعی انحراف رفتاری است که با انتظارات جامعه، منطبق و سازگار نیست و عموماً زمانی روی می‌دهد که فرد یا گروهی، معیارهای جامعه را رعایت نکند (صفری شالی، ۱۳۸٤: ۲۳). در متون جامعه‌شناسی، وندالیسم در مفهوم داشتن نوعی روحیّه‌ی بیمارگونه به‌کار رفته که مبیّن تمایل به تخریب آگاهانه، ارادی و خودخواسته‌ی اموال و تأسیسات عمومی است (ژانورن[1]، ۱۳٦۷: ۲۸). اسکوگان، وندالیسم را نوعی بی‌نظمی فیزیکی می‌داند و بین بی‌نظمی فیزیکی و بی‌نظمی اجتماعی، تمایز قائل می‌شود. بی‌نظمی

[1] Janoren

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

فیزیکی مواردی چون ساختمان‌های نیمه‌تمام، شکستن لامپ‌های خیابان و ریختن زباله را دربر می‌گیرد، امّا بی‌نظمی اجتماعی شامل شکل‌های خاصّی از نتایج رفتاری در دیوارنوشته‌ها و تخریب فیزیکی است (سکاتو و هاینینگ[1]، ۲۰۰۵: ۱۶۳۸). هم‌چنین بی‌نظمی فیزیکی به شرایط جاری اشاره دارد، در حالی‌که بی‌نظمی اجتماعی به‌عنوان مجموعه‌ای از وقایع کم و بیش متوالی ظاهر می‌شود (اسکوگان[2]، ۱۹۹۰: ۲). وندالیسم، روشی قابل قبول برای افراد در ابراز سرخوردگی، انتقام گرفتن یا نشان دادن خشم، ایجاد هیجان برای وضعیّتی کسالت‌آور و یا جلب توجّه برای یک موضوع خاص است (گارث ایسو[3]، ۲۰۰۷: ۱۰٤). بسیاری از افراد، وندالیسم را یک بزهکاری بسیار جدّی توسّط جوانان تلقّی می‌کنند که منجر به ایجاد خساراتی برای افراد می‌شود و هیچ سود مادی‌ای برای آن‌ها ندارد (وارلا[4]، ۱۹۸۰: ۲). بنابراین، وندالیسم به‌عنوان عارضه‌ای جبران‌ناپذیر برای منابع و امکانات جوامع امروزی، هرساله خسارات فراوانی را به سرمایه‌های ملّی و عمومی وارد می‌سازد. از اینرو، وندالیسم نه تنها به‌عنوان رفتاری بزهکارانه بلکه به‌مثابه یک معضل یا مسأله‌ی اجتماعی در بسیاری از شهرها مطرح شده است (میرفردی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۸٦).

از آن جا که وندالیسم یکی از انواع بزهکاری‌هایی است که بیش‌تر در شهرها اتّفاق می‌افتد و نیز با توجّه به این که تاکنون در زمینه‌ی این موضوع، پژوهشی در شهر لردگان صورت نگرفته است، این پژوهش می‌کوشد عوامل اجتماعی مؤثّر بر گرایش جوانان شهر لردگان به رفتار وندالیستی را بررسی کند.

اهمّیّت و ضرورت پژوهش

تا هنگامی که علل و عوامل جرم‌زای اجتماعی شناخته نشوند و فقط به محاکمه‌ی عمل مجرمانه که اجرای دستورهایی از پیش‌ساخته است، اکتفا شود، نه فرد بزهکار درمان می‌گردد و نه ریشه‌های فساد از جامعه کنده می‌شود؛ زیرا محکوم کردن فرد بزهکار، بدون شناخت شخصیّت و عوامل جرم‌زای اجتماعی‌ای که او را به این سمت سوق داده، دور از عدالت است (کی‌نیا، ۱۳۷۳: ۵۹-٦۰). بنابراین، ریشه‌یابی مسأله‌ی وندالیسم و نشان دادن ضرورت برخورد علمی با آن می‌تواند موجب بازگشت فرد وندالی به جامعه شود (احمدی، ۱۳۷۷: ۱۲).

[1] Ceccato & Haining
[2] Skogan
[3] Garth Esau
[4] Varela

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

نگاهی به آمار و ارقام بزهکاری‌ها و جرایم چندساله‌ی اخیر مراکز قضایی ایران، ما را به این واقعیّت رهنمون می‌سازد که بزهکاری و رفتار خرابکارانه در بین نوجوانان و جوانان کشور، روند غیرطبیعی و فزاینده‌ای داشته است و آثار و نتایج آن، تأثیری منفی بر سلامت عمومی جامعه دارد (محبی، ۱۳۸۲: ۱۳). پژوهش‌های متعدّد در جهان نشان می‌دهد که مطالعه‌ی وندالیسم از چند جنبه دارای اهمّیّت است. نوجوانان و جوانانی که گرفتار این مسأله‌ی اجتماعی می‌شوند، در اکثر موارد فرصت‌های جبران‌ناپذیری را از حیث تحصیل و کار از دست می‌دهند. وجود چنین سابقه‌ی نامطلوبی، در زندگی آینده‌ی آن‌ها تأثیر فراوانی می‌گذارد و با توجّه به پذیرفته نشدن آن‌ها در حلقه‌های درسی و کاری، قشری مطرود از این گونه افراد به‌وجود می‌آید که مسأله را برای نسل‌های آینده تشدید می‌کند و موجب تباهی نوجوانان و جوانان بیش‌تری می‌شود (مشکانی، ۱۳۸۳: ۲٤۰)؛ به‌ویژه آن که این متغیّر، در کشورهای در حال توسعه‌ای چون کشور ما اهمّیّت بیش‌تری می‌یابد و روز به روز بر میزان و تنوّع آن افزوده می‌شود. در این گونه کشورها با توجّه به علل گوناگون، معمولاً وندالیسم می‌تواند مانع مهمّی در راه دست‌یابی به توسعه باشد. بنابراین هدف کلّی این پژوهش، بررسی رفتار وندالیستی و شناخت عوامل مؤثّر بر پیدایش و گسترش آن در بین جوانان شهر لردگان است.

پیشینه‌ی پژوهش

الهیاری و حسینی (۱۳۹۳) پژوهشی با عنوان «ارتباط عملکرد خانواده با رفتارهای وندالیستی دانش‌آموزان در شهر جوانرود استان کرمانشاه» انجام داده‌اند. نتایج این پژوهش نشان داده که میزان کلّی عملکرد خانواده و شاخص‌های سه‌گانه‌ی آن (ایفای نقش‌های خانوادگی، حلّ مشکل و میزان ابراز عواطف در خانواده) با متغیّر میزان بروز رفتارهای وندالیستی، ارتباط معکوس دارد. بر اساس نتایج تحلیل رگرسیونی این پژوهش، میزان حلّ مشکل در خانواده‌ی دانش‌آموزان با بتای ۰/۷۳۷-، میزان ابراز عواطف در خانواده با بتای ۰/٦۹۲- و میزان ایفای نقش‌های خانوادگی با بتای ۰/۰٦۹ به ترتیب بیش‌ترین سهم را در تبین متغیّر وابسته داشته‌اند.

نتایج تحقیق علیوردی‌نیا و همکاران (۱۳۹۲) با عنوان «بررسی عوامل مؤثّر بر وندالیسم دانشجویان از دیدگاه نظریّه‌ی فشار عمومی اگنیو» نشان داده که از میان متغیّرهای مستقل مستخرج از نظریّه‌ی فشار عمومی اگنیو، احساسات منفی، متغیّری اثرگذار بر رفتارهای وندالیستی دانشجویان بوده است. تحلیل رگرسیونی برحسب جنسیّت، تفاوت قابل ملاحظه‌ای را در تبیین تغییرات

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

رفتارهای وندالیستی دانشجویان دختر و پسر نشان داده است؛ بر این اساس، به موازات افزایش محرّک‌های مثبت حذف‌شده، رفتارهای وندالیستی پسران افزایش می‌یابد. در مقابل، به موازات افزایش احساسات منفی، رفتارهای وندالیستی دختران نیز افزایش پیدا می‌کند.

فتحی و محمّدی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «شهرنشینی، بیگانگی اجتماعی و رفتارهای وندالیستی جوانان» نتیجه گرفته‌اند که پسران بیش‌تر به رفتارهای وندالیستی دست می‌زنند و این پدیده در میان فرزندان خانواده‌هایی که از نظر اقتصادی و اجتماعی و بهره‌مندی از تسهیلات شهری در سطح پایین‌تری قرار دارند، شایع‌تر است. هم‌چنین رفتارهای تخریب‌گرایانه و ویرانگر، ناشی از بریدگی و عدم پیوند فرد با جامعه‌ی شهری و بیگانگی اجتماعی است.

مایر[1] و همکاران (۲۰۱۳) با روش پیش‌آزمون و پس‌آزمون به مطالعه‌ی وندالیسم در بین دانش‌آموزان ۱۸ مدرسه‌ی ابتدایی و راهنمایی پرداخته‌اند. بر پایه‌ی این بررسی، آموزش دانش‌آموزان برای آشنایی با وندالیسم و اثرات آن می‌تواند تا حدّ بسیار زیادی در کاهش رفتارهای وندالیستی مؤثّر باشد. در طول مطالعه تیم پرسنل مدرسه، کارگاه‌های آموزشی و استراتژی‌های رفتاری برای دانش‌آموزان برگزار کرد. در نهایت، نتیجه‌ی پس‌آزمون نشان داده که ۷۸/۵ درصد از رفتارهای وندالیستی در بین دانش‌آموزان کاهش یافته است؛ هزینه‌های خرابکاری در مدرسه به‌طور چشم‌گیری پایین آمده و میزان رفتارهای خرابکارانه در خارج از مدرسه به‌طور قابل توجّهی کم شده است.

چن و آستور[2] (۲۰۱۲) در پژوهشی درباره‌ی رفتار خشونت‌آمیز دانش‌آموزان دبیرستانی در تایوان، از طریق پرسش‌نامه ۳۰۵۸ نفر از دانش‌آموزان را مورد بررسی قرار داده‌اند. بر اساس نتایج این پژوهش، ٦٨ درصد از دانش‌آموزان در طول یک سال گذشته حداقل یک بار برخی از انواع رفتارهای خشونت‌آمیز را تجربه کرده‌اند؛ فحش و توهین به صورت شفاهی از شایع‌ترین اعمال خشونت‌آمیز در میان دانش‌آموزان بوده و ویژگی‌های شخصی دانش‌آموزان، عوامل خانوادگی مانند نظارت والدین بر فرزندان و نیز میزان تعامل دانش‌آموزان با مدرسه، در ارتکاب رفتارهای خشونت‌آمیز دانش‌آموزان تأثیر داشته است.

یاووض و کالوگلو[3] (۲۰۱۰) در تحقیقی با عنوان «مطالعه‌ی تجربی وندالیسم: پارک‌های ترابزون»، با روش مشاهده‌ای به مطالعه‌ی اثرات وندالیسم بر پارک‌های شهری ترکیه پرداخته‌اند. در

[1] mayer
[2] Chen & Astor
[3] Yavuz & Kuloglu

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

این مطالعه، عمل خرابکاری بر اساس رابطه‌ی تجهیزات مورد استفاده برای خرابکاری، رنگ و عوامل مادی با وندالیسم مورد بررسی قرار گرفته است. آن‌ها در مشاهدات خود به این نتایج رسیدند: ۱. عامل فصل در بروز وندالیسم مؤثّر است؛ ۲. هر شیئی که کم‌تر در معرض دیدِ افراد قرار دارد و کنترل بر آن کم‌تر است، بیش‌تر در معرض وندالیسم است؛ ۳. هر شیء یا تجهیزاتی که مالک خصوصی نداشته باشد، بیش‌تر در معرض وندالیسم قرار دارد؛ ٤. وندالیسم در مکان‌های نیمه‌باز بیش از مکان‌های سر باز است؛ ۵. نور ناکافی و تاریکی، وندالیسم را افزایش می‌دهد.

ساکر و همکاران[1] (۲۰۰۵) در پژوهشی که در آن ۱٦۵ نوجوان مجرم را از طریق مصاحبه مورد مطالعه قرار داده‌اند، دریافته‌اند که اغلب نوجوانان بزهکار دارای خانواده‌های پرجمعیّت، نابسامان و مهاجر هستند که به لحاظ اقتصادی و آموزشی در سطح پایینی قرار دارند و کنترل و نظارت کافی در خانواده‌های آنان وجود ندارد.

چارچوب نظری پژوهش

در این تحقیق تلاش بر آن است که از نظریّه‌های یادگیری ساترلند و بادورا، پیوند افتراقی ساترلند، نظریّه‌ی بیگانگی سیمن و نظریّه‌ی پیوند اجتماعی هیرشی برای تبیین عوامل اجتماعی مؤثّر بر وندالیسم در بین جوانان استفاده شود.

رسانه‌های جمعی به‌ویژه رسانه‌های تصویری نظیر سینما و تلویزیون، تأثیرات مستقیم و سریعی بر رفتار جوانان دارند. به اعتقاد ساترلند، جوانان در فرایند یادگیری اجتماعی به تقلید از رفتار دیگران می‌پردازند و از طریق رسانه‌ها برخی از رفتارهای بزهکارانه نظیر پرخاشگری و خشونت را می‌آموزند. باندورا[2]، نظریّه‌پرداز روان‌شناسی اجتماعی، نیز معتقد است تلویزیون پرنفوذترین رسانه برای نوجوانان است و می‌تواند در آموزش شیوه‌های رفتار پرخاشگرانه، کاستن ممانعت‌ها از پرخاشگری و حسّاسیّت‌زدایی و عادت به خشونت مؤثّر باشد. نمایش خشونت رسانه‌ای ممکن است بینندگان را با فنون نوینی از آزار و حمله به دیگران آشنا کند، در حالی که پیش از مشاهده‌ی چنین فیلم‌هایی، از فنون به‌کارگیری این نوع خشونت آگاهی نداشتند. هم‌چنین نمایش مداوم خشونت رسانه‌ای ممکن است حسّاسیّت عاطفی بینندگان را نسبت به خشونت و پرخاشگری و پیامدهای زیان‌بار آن کاهش دهد (احمدی، ۱۳۹۱: ۱٤٤-۱٤۵).

[1] Sakir etal
[2] Bandura

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

ساترلند در نظریّه‌ی هم‌نشینی افتراقی معتقد است که رفتار انحرافی مانند سایر رفتارهای اجتماعی از طریق هم‌نشینی و پیوستگی با دیگران آموخته می‌شود. فرد بزهکار در طول حیات خود از طریق پیوستگی و ارتباط با دیگران، انگیزه‌ها و گرایش‌های انحرافی را فرا می‌گیرد و مردم به نسبت هم‌نشینی و ارتباطی که با قانون‌شکنان دارند، کج‌رو می‌شوند. بنابراین، ساترلند رفتار بزهکارانه را ناشی از تماس با اشخاص در اثر فرایند یادگیری می‌داند. به نظر او، رفتار انحرافی، روان‌شناختی یا ارثی نیست بلکه مردم در مصاحبت و معاشرت با همنوایان در طول یک جریان جامعه‌پذیری، طغیان و تخطّی از هنجارها را می‌آموزند و به سوی رفتار انحرافی کشیده می‌شوند (مطلق و ندری، ۱۳۹۲: ۱۲۲).

بر اساس نظریّه‌ی پیوند اجتماعی هیرشی، بزهکاری زمانی اتّفاق می‌افتد که پیوند فرد با جامعه ضعیف یا گسسته شود. پیوندهای قوی و سالم با افراد و نهادهای اجتماعی، از بروز رفتارهای بزهکارانه‌ی افراد جلوگیری می‌کند (بارولت[1] و همکاران، ۲۰۰٤: ۱۲). هیرشی چهار عنصر اصلیِ پیوند شخص با جامعه را که مانع کج‌رفتاری می‌شود، به شرح زیر توضیح داده است:

۱. دل‌بستگی[2]: این عنصر بیانگر میزان وابستگی فرد به اشخاص دیگر در خانواده، محیط و نهادهای اجتماعی است. به نظر هیرشی، کسانی که به دیگران علاقه و توجّه دارند، رفاه و احساسات آنان را در نظر می‌گیرند و با احساس مسؤولیّت نسبت به این افراد و حفظ ارتباط با آن‌ها عمل می‌کنند.

۲. تعهّد[3]: عنصر تعهّد مبیّن میزان پذیرش هدف‌های مرسوم جامعه و احساس دِینی است که فرد نسبت به جامعه در خود احساس می‌کند؛ به‌عبارت دیگر، هیرشی بر آن است که هرچه فرد در محیط‌هایی مانند محیط تحصیل، اشتغال، خانه و مانند آن، نیاز بیش‌تری به سرمایه‌گذاری در زمینه‌ی کنش‌های موافق با جامعه احساس کند، دلیل بیش‌تری خواهد داشت که برای حفاظت از دستاوردهای خود، با دیگران هم‌نوا بماند. در مقابل، کسانی که نیاز کم‌تری به این سرمایه‌گذاری احساس می‌کنند، خطر و ضرر کم‌تری در ارتکاب جرم می‌بینند و حتّی ممکن است در پی به‌دست آوردن فرصتی برای سود بردن از آن باشند.

[1] Baerveldt
[2] Attachmen
[3] Commitment

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

۳. مشارکت[1]: این عنصر بیانگر میزان درگیری و مشارکت در نقش‌ها و فعّالیّت‌های اجتماعی است. به اعتقاد هیرشی، کسانی که درگیر کار، زندگی خانوادگی، سرگرمی و ... هستند، معمولاً فرصت کم‌تری برای درگیر شدن در رفتارهای کجروانه دارند.

٤. باور[2]: عنصر باور بیانگر میزان اعتقاد فرد به اعتبار قواعد اخلاقی و اجتماعی، باور او نسبت به ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی جامعه و وفاداری به آن‌هاست. به نظر هیرشی، اگر فردی عمیقاً باور داشته باشد که درگیر شدن در گونه‌های خاصّی از رفتارها، کار درستی نیست، مشارکت در آن رفتارها برای او دور از تصوّر خواهد بود. در مقابل، افرادی که اعتقاد و وفاداری ضعیفی نسبت به هنجارهای اخلاقی و اجتماعی دارند، ممکن است تمایل بیش‌تری به نادیده گرفتن این هنجارها داشته باشند و بیش‌تر به کج‌روی مبادرت ورزند (سلیمی و داوری، ۱۳۸۵ : ۳۹۲-۳۹۳).

سیمن[3] در نظریّه‌ی بیگانگی، از خود بیگانگی را همانند موقعیّتی تعریف می‌کند که طی آن، فعّالیّت‌های متفاوت فرد فاقد هدف واحد است و بیش‌تر به خاطر جبران اقتصادی انجام می‌گیرد؛ فرد بر زمان تأکید دارد نه کار، زیرا علاقه‌ای به کار خود ندارد و مجبور به انجام کار در یک زمان مشخّص است (بخارایی، ۱۳۸٦: ۱۳٦). به نظر سیمن، ساختار بروکراسی جامعه‌ی مدرن شرایطی را ایجاد کرده که در آن انسان‌ها قادر به فراگیری نحوه‌ی کنترل عواقب و نتایج اعمال و رفتارهای خود نیستند. به عقیده‌ی او نحوه‌ی کنترل عواقب و مدیریّت جامعه بر سیستم پاداش اجتماعی به گونه‌ای است که فرد نمی‌تواند بین رفتار خود و پاداش اخذ شده از جامعه ارتباطی برقرار کند. در چنین وضعیّتی، احساس بیگانگی بر فرد مستولی می‌شود و او را به کنشی منفصلانه و ناسازگارانه در قبال جامعه سوق می‌دهد (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۱۵۰). سیمن کوشیده است با بازکاوی مفهوم بیگانگی از منظر روان‌شناسی اجتماعی، اشکال یا ابعاد مختلف این مفهوم را شناسایی کند. او به این منظور شش زمینه‌ی اصلی را که مفهوم مزبور در آن کاربرد دارد، مورد بررسی قرار داده است (کوزر و روزنبرگ، ۱۳۸۵: ٤۰۸). این شش زمینه عبارتند از: احساس بی‌قدرتی، بی‌هنجاری، بی‌معنایی، انزوای اجتماعی، انزجار از خود و تنفّر فرهنگی (محسنی تبریزی، ۱۳۷۰: ۵۹-٦۲).

[1] Involvement
[2] Belief
[3] Seeman

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

فرضیّه‌های پژوهش

۱. بین میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی و وندالیسم جوانان، رابطه وجود دارد (نظریّه‌ی یادگیری ساترلند و باندورا).

۲. بین ارتباط با افراد بزهکار و وندالیسم جوانان، رابطه وجود دارد (نظریّه‌ی هم‌نشینی افتراقی ساترلند).

۳. بین از خود بیگانگی و وندالیسم جوانان، رابطه وجود دارد (نظریّه‌ی بیگانگی سیمن).

٤. بین پیوند اجتماعی و وندالیسم جوانان، رابطه وجود دارد (نظریّه‌ی پیوند اجتماعی هیرشی).

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش به لحاظ اجرا، از نوع پیمایشی[1] است. ضمن آن‌که برای تدوین چارچوب نظری تحقیق و مرور تحقیقات پیشین از روش کتابخانه‌ای (اسنادی) نیز استفاده شده است. هم‌چنین، مطالعه‌ی حاضر به لحاظ معیار زمان، مقطعی، به لحاظ معیار کاربرد، کاربردی و به لحاظ معیار ژرفایی، پهنانگر است. جامعه‌ی آماری این تحقیق شامل همه‌ی جوانان ۱۵ تا ۲۰ ساله‌ی شهر لردگان در زمان مطالعه است. با توجّه به حجم جامعه (٥٥٤٨ نفر) بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ (مرکز آمار ایران) و نیز با توجّه به جدول نمونه‌گیری مورگان (گرجسی و مورگان، ۱۹۷۰: ٦۰۷-٦۱۰) نمونه‌ی آماری متناسب با آن، ۳٦۰ نفر تعیین گردید. روش نمونه‌گیری به‌کار رفته در این پژوهش، خوشه‌ای چندمرحله‌ای بوده است. برای گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه‌ی استاندارد (جواهرچیان، ۱۳۹۳) و برای سنجش پایایی نیز از آلفای کرونباخ استفاده شده است. میزان آلفا برای گویه‌های وسایل ارتباط جمعی برابر با۰/٦۸۰، ارتباط با افراد بزهکار برابر با ۰/۷۳٤، پیوند اجتماعی برابر با ۰/۷٤۱، از خود بیگانگی برابر با ۰/٦۹۷ و وندالیسم برابر با ۰/۷٤٤ شده است.

هم‌چنین داده‌ها توسّط نرم‌افزارهای آماری Spss مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و برای تحلیل داده‌ها از آزمون ضریب هم‌بستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه بهره گرفته شده است.

[1] Survey

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

تعریف نظری و عملیاتی مفاهیم

برای بررسی متغیّر مستقل با توجّه به نظریّات مطرح در این زمینه و با در نظر گرفتن مقیاس‌سازی تحقیقات انجام‌شده، ابعاد این فرایند (میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، ارتباط با افراد بزهکار، پیوند اجتماعی و از خود بیگانگی) مشخّص شد و گویه‌های مناسب برای سنجش این ابعاد، طرّاحی و انتخاب شدند.

وسایل ارتباط جمعی: وسایل ارتباط جمعی به همه‌ی اشکال ارتباط نوشتاری از قبیل روزنامه‌ها و مجلّات و همه‌ی گونه‌های ارتباط پخشی از قبیل رادیو و تلویزیون که برای عموم مردم هستند و پیش از پیدایشICT به‌وجود آمده‌اند، اشاره می‌کند (مور، ۱۳۸۲: ٤٤). این متغیّر با استفاده از ٦ گویه (روزنامه و مجلّات، اینترنت، ماهواره، تلویزیون داخلی، رادیوی داخلی و رادیوی خارجی) در قالب طیف لیکرت سنجیده شد.

ارتباط با افراد بزهکار: ارتباط با افراد بزهکار، به فرایند تعامل و ارتباط با دوستان بزهکار و یادگیری بزهکاری از آن‌ها اشاره دارد؛ یعنی، افراد به این سبب کج‌رفتاری می‌کنند که تعداد ارتباط‌های انحرافی آن‌ها بیش‌تر از ارتباط‌های غیرانحرافی است (ستوده، ۱۳۸۸: ۱٤۹). این متغیّر، با استفاده از ۱۰ گویه (دوستانتان چه‌قدر به آسیب زدن به اماکن عمومی مانند مدارس، پارک‌ها و ... تمایل دارند؟؛ دوستانی دارید که تا به حال به اماکن عمومی آسیب عمدی وارد کرده باشند؟؛ تا چه اندازه حرف‌های دوستانتان را که به وسایل یا اماکن عمومی آسیب می‌رسانند، گوش می‌کنید؟ و ...) در قالب طیف لیکرت سنجیده شد.

پیونداجتماعی: پیوند اجتماعی بر میزان ارتباط فرد با دیگران دلالت دارد (سیگل[1]، ۲۰۱۰: ۲۳۸). این متغیّر با استفاده از ۹ گویه (من برای قوانین حاکم بر جامعه‌ام احترام قائلم؛ به جامعه و کشورم علاقه‌مندم؛ نظر دوستانم برایم اهمّیّت دارد؛ برای داشتن شغل مناسب تلاش می‌کنم و ...) در قالب طیف لیکرت سنجیده شد.

از خود بیگانگی: بیگانگی به معنای دور شدن از ارزش‌ها و فضایل اخلاقی و انسانی، فراموش کردن کمالات، غفلت از خودِ اصیل و واقعی و گم کردن مسیر درست هدایت است (آقاحسینی و ربانی، ۱۳۸٤: ١٦٤). این متغیّر با استفاده از ۱۲ گویه (احساس می‌کنم تسلّط چندانی بر مسیر زندگی‌ام ندارم؛ از دست افرادی مانند من کاری برای جامعه برنمی‌آید؛ هر رفتاری از من سر زند،

[1] Siegel

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

به نتایج و پیامدهای آن توجّهی نمی‌کنم؛ از این که در کنار دوستانم باشم، احساس خوبی دارم و ...) در قالب طیف لیکرت سنجیده شد.

وندالیسم: عبارت است از تخریب عمدی یا آسیب زدن و بد شکل کردن اموال عمومی، خصوصی، حقیقی یا شخصی، بدون رضایت مالک یا فردی که بر آن‌ها کنترل یا نظارت دارد (روبل[1]، ۱۹۸۰: ٦۹). این متغیّر با استفاده از ۱۰ گویه (شکستن لامپ خیابان‌ها و شیشه‌های اماکن خالی از سکنه، صدمه زدن به اتومبیل‌ها و پنچر کردن آن‌ها، نوشتن یادگاری و نقّاشی کردن بر دیوارها و وسایل مربوط به اماکن عمومی، ریختن آشغال در خیابان یا هر مکان دیگری، کَندنِ تراکت‌های تبلیغاتی و آگهی‌های ترحیم و ...) در قالب طیف لیکرت سنجیده شد.

یافته‌های توصیفی

بر اساس یافته‌های توصیفی، دامنه‌ی سنّی پاسخ‌گویانبین ۱۵ تا ۲۰ سال است. بیش‌ترین فراوانی مربوط به سنّ ۱۷ سال است و میانگین و انحراف معیار سنّ پاسخ‌گویان به ترتیب، ۱۸/۳۰ و ۱/۷۳ سال بوده است. از مجموع ۳٦۰ نفر پاسخ‌گو، به لحاظ تحصیلی، ۲٤/٦ درصد (۸۷ نفر) دارای تحصیلات راهنمایی، ٦۲/۳ درصد (۲۲٤ نفر) دارای مدرک دیپلم و ۱۳/۱ درصد (٤۹ نفر) دارای مدرک فوق دیپلم بوده‌اند.

یافته‌های تبیینی

فرضیّه‌ی اوّل: بین میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی و وندالیسم جوانان، رابطه وجود دارد.

جدول شماره‌ی یک- شاخص هم‌بستگی پیرسون میان متغیّر وسایل ارتباط جمعی و وندالیسم

آزمون آماری	وندالیسم/وسایل ارتباط جمعی
ضریب هم‌بستگی پیرسون (R)	۰/۳۲٦**
سطح معناداری	۰/۰۰۰
تعداد پاسخ‌گویان	۳٦۰

□□$p<0/01$

[1] Rubel

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

آزمون این رابطه از طریق آماره‌ی هم‌بستگی پیرسون (۰/۳۲٦) و سطح معناداری (۰/۰۰۰)، بر ردّ فرضیّه‌ی صفر (H۰) دلالت دارد. بر اساس نتایج به‌دست آمده می‌توان گفت با احتمال ۹۹ درصد بین متغیّر «میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی» و «وندالیسم» رابطه‌ی هم‌بستگی معناداری وجود دارد. مقدار ضریب، بیانگر هم‌بستگی مثبت بین این دو متغیّر است. بنابراین می‌توان گفت با افزایش میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی در بین جوانان، گرایش به وندالیسم در آن‌ها افزایش می‌یابد. مقدار ضریب پیرسون (۰/۳۲٦)، بر نسبتاً ضعیف بودنِ شدّت رابطه‌ی هم‌بستگی دلالت دارد. بنابراین فرضیّه‌ی اوّل تأیید می‌شود.

فرضیّه‌ی دوم: بین ارتباط با افراد بزهکار و وندالیسم جوانان، رابطه وجود دارد.

جدول شماره‌ی دو- شاخص هم‌بستگی پیرسون میان متغیّر ارتباط با افراد بزهکار و وندالیسم

آزمون آماری	وندالیسم/ارتباط با افراد بزهکار
ضریب هم‌بستگی پیرسون (R)	۰/٤٤۷**
سطح معناداری	۰/۰۲۲
تعداد پاسخ‌گویان	۳٦۰

□□$p<0/01$

آزمون این رابطه از طریق آماره‌ی هم‌بستگی پیرسون (۰/٤٤۷) و سطح معناداری (۰/۰۲۲)، بر ردّ فرضیّه‌ی صفر (H۰) دلالت دارد. بر اساس نتایج می‌توان گفت با احتمال ۹۹ درصد بین مقادیر این دو متغیّر، رابطه‌ی معناداری وجود دارد. رابطه‌ی هم‌بستگی بین این دو متغیّر، از طریق آزمون هم‌بستگی (۰/٤٤۷) محاسبه شده که بیانگر هم‌بستگی مثبت بین «ارتباط با افراد بزهکار» و «وندالیسم» است؛ به‌عبارت دیگر، می‌توان گفت با افزایش روابط جوانان با افراد بزهکار، گرایش به وندالیسم در آن‌ها افزایش می‌یابد. مقدار ضریب پیرسون بیانگر متوسّط بودنِ شدّت هم‌بستگیِ مشاهده شده، است. بنابراین فرضیّه‌ی فوق تأیید می‌شود.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

فرضیّه‌ی سوم: بین از خود بیگانگی و وندالیسم جوانان، رابطه وجود دارد.

جدول شماره‌ی سه- شاخص هم‌بستگی پیرسون میان متغیّر بیگانگی اجتماعی و وندالیسم

آزمون آماری	وندالیسم/بیگانگی اجتماعی
ضریب هم‌بستگی پیرسون (R)	۰/۱۲۲**
سطح معناداری	۰/۰۳۶
تعداد پاسخ‌گویان	۳۶۰

□□$p<0/01$

آزمون این رابطه از طریق آماره‌ی هم‌بستگی پیرسون (۰/۱۲۲) و سطح معناداری (۰/۰۳۶)، بر ردّ فرضیّه‌ی صفر (H۰) دلالت دارد. بر اساس نتایج می‌توان گفت با احتمال ۹۹ درصد بین مقادیر این دو متغیّر، رابطه‌ی معناداری وجود دارد. رابطه‌ی هم‌بستگی بین این دو متغیّر، از طریق آزمون هم‌بستگی (۰/۱۲۲) محاسبه شده که بیانگر هم‌بستگی مثبت بین «بیگانگی اجتماعی» و «وندالیسم» است؛ به‌عبارت دیگر، می‌توان گفت با افزایش بیگانگی اجتماعی، گرایش جوانان به وندالیسم افزایش می‌یابد. مقدار ضریب پیرسون بیانگر ضعیف بودن شدّت هم‌بستگیِ مشاهده شده، است. بنابراین فرضیّه‌ی سوم تأیید می‌شود.

فرضیّه‌ی چهارم: بین پیوند اجتماعی و وندالیسم جوانان رابطه، وجود دارد.

جدول شماره‌ی چهار- شاخص هم‌بستگی پیرسون میان متغیّر پیوند اجتماعی و وندالیسم

آزمون آماری	وندالیسم/پیوند اجتماعی
ضریب هم‌بستگی پیرسون (R)	-۰/۲۳۰**
سطح معناداری	۰/۰۰۱
تعداد پاسخ‌گویان	۳۶۰

□□$p<0/01$

آزمون این رابطه از طریق آماره‌ی هم‌بستگی پیرسون (۰/۲۳۰-) و سطح معناداری (۰/۰۰۱)، بر ردّ فرضیّه‌ی صفر(H۰) دلالت دارد. بر اساس نتایج می‌توان گفت با احتمال ۹۹ درصد بین مقادیر این دو متغیّر، رابطه‌ی معناداری وجود دارد. رابطه‌ی هم‌بستگی بین این دو متغیّر، از طریق آزمون

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

هم‌بستگی (۰/۲۳۰-) محاسبه شده که بیانگر هم‌بستگی منفی بین «پیوند اجتماعی» و «وندالیسم» است. این امر بیانگر آن است که هرچه پیوند اجتماعی بیش‌تر شود، میزان گرایش به وندالیسم کم‌تر می‌شود. مقدار ضریب پیرسون بیانگر ضعیف بودن شدّت هم‌بستگیِ مشاهده شده، است. بنابراین فرضیّه‌ی فوق تأیید می‌گردد.

رگرسیون چندگانه

جدول شماره‌ی پنج- نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه‌ی متغیّرهای مؤثّر بر گرایش به وندالیسم

متغیّر	ضریب خام		ضرایب استاندارد	T	Sig
	B	Std.Error	Beta		
مقدار ثابت	۷/۲۳۷	۰/۳۹۰	-	۲/۵۱۳	۰/۰۰۰
وسایل ارتباط جمعی	۰/۲۶۱	۰/۰۴۹	۰/۲۲۴	۵/۵۸۲	۰/۰۰۰
از خود بیگانگی	۰/۱۴۰	۰/۰۲۶	۰/۱۳۶	۵/۲۳۹	۰/۰۰۰
R^2=۰/۲۱۶	P=۰/۰۰۰		F=۱۷/۱۱۶	R=۰/۲۴۳	

برای تبیین وندالیسم بر اساس مجموع متغیّرهای مستقل معنادار، از رگرسیون چندگانه به روش گام‌به‌گام استفاده شده است. بر اساس داده‌های جدول شماره‌ی پنج، دو متغیّر در معادله باقی ماندند که ضریب هم‌بستگی چندگانه‌ی آن‌ها با وندالیسم برابر با R=۰/۲۴۳ و ضریب تعیین تعدیل‌شده برابر با R^2=۰/۲۱۸ به‌دست آمده است. این ضریب نشانه‌ی آن است که با استفاده از پراکنش ترتیب خطی متغیّرهای مستقل رگرسیونی، می‌توان ۲۱/۶ درصد از پراکنش وندالیسم را توضیح داد. بقیّه‌ی تغییرات به دلیل پیچیده بودن متغیّر وابسته‌ی تحقیق، به سایر عوامل نسبت داده می‌شوند. مدل رگرسیونی تبیین‌شده نیز طبق آزمون تحلیل پراکنش انجام‌شده، خطی و معنادار است؛ زیرا مقدار آزمون F برای تعیین معناداری اثر متغیّرهای مستقل بر وندالیسم برابر با ۱۷/۱۱۶ با سطح معناداری P=۰/۰۰۰ است. در مجموع طبق داده‌های این جدول و با توجّه به ضرایب بتاهای استاندارد شده، به ترتیب وسایل ارتباط جمعی با مقدار β=۰/۲۲۴ و از خود بیگانگی با مقدار β=۰/۱۳۶ بیش‌ترین تأثیر را در تبیین تغییرات وندالیسم داشته‌اند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

نتیجه‌گیری

از نظر جامعه‌شناسان، انحراف رفتاری است که در تعارض با جامعه قرار دارد و به سبب دور شدن از هنجارها و انتظارات جامعه، محکوم می‌شود. امروزه وندالیسم به‌ویژه برای کسانی که در شهرهای بزرگ و پرجمعیّت زندگی می‌کنند، پدیده‌ای مشهود است. به‌طور کلّی وندالیسم را می‌توان به‌عنوان عملی بزهکارانه که شامل آسیب رساندن و از شکل انداختن اموال متعلّق به اشخاص دیگر یا اموال عمومی است، تعریف کرد. این پدیده در میان نوجوانان و جوانان از میزان بیش‌تری برخوردار است. بنابراین، پژوهش حاضر با بهره‌گیری از مبانی نظری وندالیسم و با استفاده از اطّلاعات تجربی به‌دست آمده، به بررسی عوامل اجتماعی مؤثّر بر وندالیسم در بین جوانان پرداخته است.

بر اساس یافته‌ها، فرضیّه‌ی اوّل تحقیق یعنی «رابطه‌ی مستقیم و معنادار بین میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی و وندالیسم» تأیید شده است؛ به این معنا که به موازات افزایش استفاده از وسایل ارتباط جمعی، رفتارهای وندالسیتی جوانان نیز افزایش می‌یابد. به اعتقاد ساترلند، رسانه‌ها برخی از رفتارهای بزهکارانه نظیر پرخاشگری و خشونت را می‌آموزند. باندورا نیز معتقد است نمایش خشونت رسانه‌ای ممکن است بینندگان را با فنون نوینی از آزار و حمله به دیگران آشنا کند، در حالی که پیش از مشاهده‌ی چنین فیلم‌هایی، از فنون به‌کارگیری این نوع خشونت آگاهی نداشتند. هم‌چنین نمایش مداوم خشونت رسانه‌ای ممکن است حسّاسیّت عاطفی بینندگان را نسبت به خشونت و پرخاشگری و پیامدهای زیان‌بار آن کاهش دهد (احمدی، ۱۳۹۱: ۱٤٤–۱٤٥). این یافته با یافته‌های محسنی تبریزی (۱۳۷۹) هم‌سو است.

فرضیّه‌ی دوم که رابطه‌ی مستقیم و معناداری را بین متغیّر ارتباط با افراد بزهکار و وندالیسم مطرح کرده، مورد تأیید قرار گرفته است؛ به این معنا که به موازات افزایش روابط با افراد بزهکار، میزان رفتارهای وندالیستی در میان جوانان افزایش می‌یابد. ساترلند معتقد است که رفتار انحرافی مانند سایر رفتارهای اجتماعی از طریق هم‌نشینی و پیوستگی با دیگران آموخته می‌شود. فرد بزهکار در طول حیات خود از طریق پیوستگی و ارتباط با دیگران، انگیزه‌ها و گرایش‌های انحرافی را فرا می‌گیرد و مردم به نسبت هم‌نشینی (کم یا زیاد) و ارتباطی که با قانون‌شکنان دارند، کج‌رو می‌شوند (مطلق و ندری، ۱۳۹۲: ۱۲۲). این یافته با یافته‌های حیدری و پارسامهر (۱۳۹۱) و نیز نواح و کوپایی (۱۳۹۱) هم‌سو است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

فرضیّه‌ی سوم یعنی «رابطه‌ی بین از خود بیگانگی و وندالیسم جوانان»، تأیید شده است. به نظر سیمن، در جامعه‌ی معاصر، ساختار جامعه اوضاعی را ایجاد کرده که در آن انسان‌ها قادر به فراگیری نحوه‌ی کنترل عواقب و نتایج اعمال و رفتارهای خود نیستند. به عقیده‌ی او نحوه‌ی کنترل عواقب و مدیریّت جامعه بر سیستم پاداش اجتماعی به گونه‌ای است که فرد نمی‌تواند بین رفتار خود و پاداش اخذ شده از جامعه ارتباطی برقرار کند. در چنین وضعیّتی است که احساس بیگانگی بر فرد مستولی می‌شود و او را به کنشی منفصلانه و ناسازگارانه در قبال جامعه سوق می‌دهد (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۱۵۰). این یافته با یافته‌های فتحی و محمّدی (۱۳۹۰) هم‌سو است.

آخرین فرضیّه‌ی تحقیق یعنی «رابطه‌ی بین متغیّر پیوند اجتماعی و وندالیسم» نیز مورد تأیید قرار گرفته است. رابطه‌ی این دو متغیّر معکوس است؛ به این معنا که با افزایش پیوند اجتماعی جوانان با جامعه، میزان رفتارهای وندالیستی آن‌ها کاهش می‌یابد. هیرشی معتقد است بزهکاری زمانی اتّفاق می‌افتد که پیوند فرد با جامعه ضعیف یا گسسته شود. پیوندهای قوی و سالم با افراد و نهادهای اجتماعی، از بروز رفتارهای بزهکارانه جلوگیری می‌کند (بارولت و همکاران، ۲۰۰٤: ۱۲)؛ این امر بدین معناست که هرچه هم‌بستگی میان جوانان، والدین، بزرگ‌سالان و هم‌سالان بیش‌تر باشد، جوانان بیش‌تر درگیر فعّالیّت‌های مقبول اجتماعی می‌شوند و هرچه بیش‌تر اعتقادات و جهان‌بینی مرسوم و مطلوب محیط اجتماعی را بپذیرند و به آن معتقد باشند، کم‌تر ممکن است کج‌رو و مجرم شوند. این یافته با یافته‌های مک‌کوری (۲۰۰۵) و نیز جلایی‌پور و حسینی‌نثار (۱۳۸۸) هم‌سو است.

نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داده است که از مجموع چهار متغیّرِ وارد شده به معادله‌ی رگرسیون (وسایل ارتباط جمعی، بیگانگی اجتماعی، پیوند اجتماعی و ارتباط با افراد بزهکار)، وسایل ارتباط جمعی و بیگانگی اجتماعی باقی مانده و در مجموع ۲۱/٦ درصد از واریانس متغیّر وابسته را تبیین کرده‌اند.

پیشنهادها

۱. با توجّه به این که میزان معاشرت و هم‌نشینی با افراد بزهکار در میزان گرایش جوانان به رفتارهای بزهکارانه (وندالیستی) مؤثّر است، پیشنهاد می‌شود که جوانان در انتخاب دوستان خود دقّت‌نظر بیش‌تری داشته باشند و افراد بهنجار را برای دوستی برگزینند؛ زیرا افراد در دوره‌ی جوانی، بیش‌ترین معاشرت و هم‌نشینی را با دوستان و هم‌سالان خود دارند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

۲. از آن‌جا که افزایش میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی موجب افزایش نقش آموزشی رفتارهای بزهکارانه از جمله وندالسیم می‌شود، پیشنهاد می‌گردد که رسانه‌ها از برنامه‌های تحریک‌کننده و قهرمان‌سازی بزهکاران اجتناب کنند و محتوای برنامه‌های خود را مورد بازبینی قرار دهند.

۳. با توجّه به این که کاهش پیوند اجتماعی موجب افزایش رفتارهای وندالیستی می‌شود، پیشنهاد می‌گردد که موضوع حسّ مسؤولیّت‌پذیری در قبال دیگران و نیز وسایل عمومی را همچون وسایل شخصی خود دانستن، تبلیغ شود و اوقات فراغت جوانان با افزایش مشارکت آن‌ها در فعّالیّت‌های اجتماعی، غنی گردد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

منابع

۱. آقاحسینی، حسین و ربانی، رسول (۱۳۸٤) «تحلیلی از مفهوم از خود بیگانگی در شعر ناصرخسرو»، **مجلّه‌ی علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز**، شماره‌ی ۱، صص ۱٦۳-۱۷٤.

۲. احمدی، حبیب (۱۳۹۱) **جامعه‌شناسی انحرافات**، تهران: سمت.

۳. ـــــــــــــ (۱۳۷۷) **نظریّه‌های انحرافات اجتماعی**، شیراز: زر.

٤. الهیاری، طلعت و حسینی، نامدار (۱۳۹۳) «ارتباط عملکرد خانواده با رفتارهای وندالیستی (خرابکارانه) دانش‌آموزان در شهر جوانرود استان کرمانشاه»، **فصلنامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی-فرهنگی**، دوره‌ی سوم، شماره‌ی ۱، صص ۵۳-٦۷.

۵. بخارایی، احمد (۱۳۸٦) **جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی در ایران**، تهران: پژواک جامعه.

٦. جلایی‌پور، حمیدرضا و حسینی‌نثار، مجید (۱۳۸۸) «عوامل اجتماعی مؤثّر بر بزهکاری نوجوانان (مطالعه‌ی موردی شهر رشت)»، **جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران (تحقیقات علوم اجتماعی ایران)**، شماره‌ی ۲، صص ۵۰-۷۲.

۷. جواهرچیان، ندا (۱۳۹۳) «**مطالعه‌ی تطبیقی وندالیسم در بین دانش‌آموزان راهنمایی و دبیرستان شهر یزد و عوامل مرتبط با آن**»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه یزد.

۸. حیدری، اسلام و پارسامهر، مهربان (۱۳۹۱) «بررسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثّر بر وندالیسم (مورد مطالعه: دانش‌آموزان دبیرستانی شهر اهواز)»، **جامعه‌شناسی کاربردی**، سال بیست و سوم، شماره‌ی ۳، صص ۲۰۷-۲۲۹.

۹. زنگنه، محمّد (۱۳۸۳) «بررسی عوامل خانوادگی و اجتماعی مؤثّر بر رفتار بزهکارانه‌ی دانش‌آموزان: مورد استان بوشهر»، **فصلنامه‌ی علوم اجتماعی**، شماره‌ی ۲۵، صص ۱۰۵-۱۳۵.

۱۰. ژانرون، پاتریش (۱۳٦۷) «وندالیسم، بیماری جهانی خرابکاری»، ترجمه‌ی فرّخ ماهان، **مجلّه‌ی دانشمند**، شماره‌ی ۲۹۹، صص ۲۸-۳۳.

۱۱. ستوده، هدایت‌الله (۱۳۸۸) **آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)**، تهران: آوای نور.

۱۲. سلیمی، علی و داوری، محمّد (۱۳۸۵) **جامعه‌شناسی کج‌روی**، قم: پژوهشکده‌ی حوزه و دانشگاه.

۱۳. صادقی‌فرد، مهدی (۱۳۸۹) «عوامل اجتماعی مؤثّر بر گرایش نوجوانان و جوانان پسر به بزهکاری و راهکارهای پیشگیری از آن»، **فصلنامه‌ی مطالعات پیشگیری از جرم**، شماره‌ی ۱٦، صص ۸۷-۱۱٤.

۱٤. صفری شالی، رضا (۱۳۸٤) **مطالعه‌ی آسیب‌های اجتماعی در بین نوجوانان استان قزوین (بررسی زمینه‌های بزهکاری و وندالیسم)**، قزوین: سازمان آموزش و پرورش قزوین.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

۱۵. فتحی، سروش و محمّدی، حامد (۱۳۹۰) «شهرنشینی، بیگانگی اجتماعی و رفتارهای وندالیستی جوانان»، **فصلنامه‌ی پژوهش اجتماعی**، شماره‌ی ۱۳، صص ۱۵۸-۱۷۱.

۱۶. کوزر، لوئیس و روزنبرگ، برنارد (۱۳۸۵) **نظریّه‌های بنیادی جامعه‌شناختی**، ترجمه‌ی فرهنگ ارشاد، تهران: نی.

۱۷. کی‌نیا، مهدی (۱۳۷۳) **مبانی جرم‌شناسی**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۱۸. محبی، حسین (۱۳۸۲) «**بررسی عوامل اجتماعی-اقتصادی مؤثّر بر خرابکاری به‌عنوان مقدّمه‌ی رفتار بزهکارانه در بین دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهرستان زرین‌دشت**»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید باهنر کرمان.

۱۹. محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۳) **وندالیسم**، انتشارات آن.

۲۰. ــــــــــــــــ (۱۳۷۹) «مبانی نظری و تجربی وندالیسم؛ مروری بر یافته‌های یک تحقیق»، **نامه‌ی علوم اجتماعی**، شماره‌ی ۱۶، صص ۱۹۳-۲۲۷.

۲۱. ــــــــــــــــ (۱۳۷۰) «بیگانگی مفهوم‌سازی و گروه‌بندی تئوری‌ها در حوزه‌های جامعه‌شناسی و روان‌شناسی»، **نامه‌ی علوم اجتماعی**، شماره‌ی ۲، صص ۲۶-۷۳.

۲۲. مشکانی، محمّد و مشکانی، زهرا (۱۳۸۳) «سنجش تأثیر عوامل درونی و بیرونی خانواده بر بزهکاری»، **مجموعه‌مقالات مسائل اجتماعی ایران**، تهران: آگاه.

۲۳. مطلق، معصومه و ندری، ساجده (۱۳۹۲) «بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثّر بر گرایش دانش‌آموزان پسر به وندالیسم در محیط مدارس (مطالعه‌ی موردی دبیرستان‌های شهرستان خرم‌آباد)»، **فصلنامه‌ی مطالعات جامعه‌شناختی جوانان**، شماره‌ی ۱۰، صص ۱۱۷-۱۳۶.

۲۴. مور، استفن (۱۳۸۲) «بررسی جامعه‌شناختی رسانه‌های جمعی»، ترجمه‌ی عبدالرسول یعقوبی، **مجلّه‌ی معرفت**، شماره‌ی ۷۲، صص ۶۳-۶۹.

۲۵. میرفردی، اصغر؛ احمدی، سیروس و نیکخواه، زهرا (۱۳۹۱) «بررسی عوامل اجتماعی مؤثّر بر گرایش به وندالیسم در بین دانش‌آموزان دبیرستانی شهر یاسوج»، **جامعه‌شناسی کاربردی**، شماره‌ی ۴۷، صص ۱۸۵-۲۰۶.

۲۶. نبوی، سیّد عبدالحسین؛ سالمیان، سهام و حبیبیان، بهار (۱۳۹۱) «عوامل مؤثّر بر رفتار وندالیستی در میان دانش‌آموزان مقطع متوسّطه‌ی شهرستان اهواز (مطالعه‌ی موردی: منطقه‌ی کوت عبدالله)» **فصلنامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی-فرهنگی**، شماره‌ی ۳، صص ۹۸-۱۳۵.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

۲۷. نواح، عبدالرضا و کوپایی، محمّدباقر (۱۳۹۱) «عوامل اجتماعی و شخصیّتی مؤثّر بر گرایش به وندالیسم در بین دانش‌آموزان دبیرستانی شهر اهواز»، **مجلّه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی ایران**، شماره‌ی ۲، صص ۱-۱۳.

۲۸. نوربها، رضا (۱۳۷۷) **جرم‌شناسی**، تهران: نشر احمدی.

29. Baerveldt, C; Rossem, R. V; Vermande, M. & Weerman, F (2004) Students' Delinquency and Correlates With Strong and Weaker Ties: A Study of Students' Networks in Dutch High Schools, **Connections**. Vol. 26 (1):11-28.

30. Ceccato, Vania&Haining, Robert (2005) Assessing the geography of vandalism: evidence from a Swedish city, **UrbanStudies**, Vol. 42 (1):1637–1656.

31. Chen, Ji–Kang; Astor, Ron Avi (2012) School Variables as Mediators of Personal and family factors on school violence in taiwanese Junior high school, **Juornal of youth society**. Vol.44(2):175-200.

32. Mc. Corry, Timothy (2005) **Parental Control, gender and delinquency in Patriarchal and non-Patriarehal household, a qualitative assessments**, Ph.D dissertation, Stat university of New York at Boffalo.

33. Mayer, Roy; Butterworth,Tom; Nafpaktitis, Mary; Sulzer–Azaroff, Beth (2013) Preventing school Vandalism and Improving Diiscipline: A Three–Year Study, **Journal of Applied Behavior Analysis**. Vol.16:355-369.

34. Rubel Robert J(1980) Vandalism in Public School: Combining New Theories Provides New Insights, **Nassp Bulletin**, 67-75.

35. Sakir, O; Aydin, E; Remzi, O; Yasar, T & Suleyman, G (2005) Juvenile Delinquency in A Developing Country: A Province Example in Turkey, **International Journal of Law and Psychiatry**.Vol. 28:430-441.

36. Siegel,J larry & Brandon, C.Welsh(2010) **Juvenike delinguency,** fouth edition, Wads Worth: Belmont.

37. Skogan, W. G (1990) **Disorder and decline: crime and the spiral of decay in American neighborhoods**, New York: free press.

38. Varela, B. A. Daniel (1980) **A Social E Ecological Analysis of Vandalism**, The University of Texas at El Paso Master of Arts.

39. Yavuz, A. & Kuloglu, N (2010) An Experimental study on Vandalism: Trabzon Parks, **Scietific Research and Essays**, Vol. 5: 2463-2471.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]